

مهرماه

رساله‌ای در باب حقوق اجتماعی و احکام اخلاقی

دکتر محسن اسماعیلی

دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران



فهرست

مقدمه	۱۷
مقدمه؛ چرایی و چگونگی پیدایش این کتاب	۱۷
پیدایش رساله‌های عملیه و نمونه‌های اولیه آن	۱۸
رابطه فقه مرسوم با انسان و جامعه آرمانی	۲۰
جایگاه اخلاق و اهمیت حقوق اخلاقی	۲۲
نیاز به شفاف‌سازی قواعد اخلاقی	۲۴
اخلاق منهای فقه؛ ناممکن و بی‌اثر	۲۶
انگیزه پیشنهاد به استاد	۲۷
و اما داستان پیدایش این کتاب	۲۹
یادآوری‌های لازم و دانستنی‌های سودمند	۳۰
۱. بخشش لغزش‌ها	۵۱
۱-۱. واژه‌پژوهی و مفهوم‌یابی	۵۲
۱-۲. دلایل بخشش و حکمت این توصیه	۵۴
۱-۳. بهانه‌جویی برای بخشش	۵۵
۱-۴. به خاطر نسپردن خطای دیگران	۵۷
۱-۵. نیکی؛ علاوه بر بخشش	۵۸
۱-۶. موارد بخشش خطا	۵۹

۲. ترخم و دلسوزی ۶۱

۲-۱. واژه‌پژوهی و مفهومیابی ۶۲

۲-۲. جهانی آکنده از اندوه و مصیبت ۶۳

۲-۳. انواع واکنش‌ها به اندوه دیگران ۶۴

۲-۴. انسان؛ تجلی اسم «الرحمن» ۶۶

۲-۵. ترخم؛ به مثابه ضرورتی فراگیر ۶۷

۲-۶. ترخم؛ حتی بر حیوانات ۷۰

۲-۷. ترخم؛ به‌ویژه به سه گروه ۷۱

۳. پرده‌پوشی ۷۵

۳-۱. واژه‌پژوهی و مفهومیابی ۷۶

۳-۲. دلایل تعیین پرده‌پوشی به عنوان وظیفه ۷۸

۳-۳. ممنوعیت جست‌وجوی عیب دیگران ۸۰

۳-۴. وجوب پرده‌پوشی؛ به‌ویژه بر زمامداران ۸۲

۳-۵. اهدای عیوب؛ به همراه پرده‌پوشی ۸۴

۴. گذشت از خطاها و بدی‌ها ۸۷

۴-۱. واژه‌پژوهی و مفهومیابی ۸۸

۴-۲. برتری گذشت بر تلافی ۸۹

۴-۳. گذشت از خطاها و رابطه آن با تفاقل ۹۱

۴-۴. آثار و پیامدهای گذشت ۹۳

۴-۵. تأکید بر گذشت از خطای چهره‌های برجسته ۹۶

۵. پذیرش عذر ۹۹

۵-۱. واژه‌پژوهی و مفهومیابی ۱۰۰

۵-۲. تشویق به پذیرش آسان و شتابان عذر ۱۰۱

۵-۳. آثار پذیرش یا عدم پذیرش عذر ۱۰۳

۵-۴. پذیرش عذر مردم؛ شرط رسیدن به شفاعت ۱۰۴

۵-۵. رفتار یوسف؛ الگوی زیبایی پذیرش عذر ۱۰۵

۵۶. لزوم پذیرش عذر؛ به‌ویژه هنگام قدرت..... ۱۰۶
۵۷. پذیرش عذر؛ و دو یادآوری عملی..... ۱۰۷
۶. ردّ غیبت..... ۱۱۱
- ۶-۱. واژه‌پژوهی و مفهوم‌یابی..... ۱۱۲
- ۶-۲. غیبت و حرمت شنیدن آن..... ۱۱۴
- ۶-۳. وجوب ردّ غیبت..... ۱۱۶
- ۶-۴. چگونگی ردّ غیبت..... ۱۱۷
- ۶-۵. آثار ردّ غیبت و ترک آن..... ۱۱۹
۷. خیرخواهی دائم..... ۱۲۵
- ۷-۱. واژه‌پژوهی و مفهوم‌یابی..... ۱۲۶
- ۷-۲. ارزش خیرخواهی و ملاک آن..... ۱۲۸
- ۷-۳. مقصود از «دوام» نصیحت..... ۱۳۰
- ۷-۴. نیاز بیشتر حاکمان به نصیحت..... ۱۳۲
- ۷-۵. تأثیر نصیحت در تبلیغ دین..... ۱۳۴
- ۷-۶. وجوب «نُصح مُستشیر»..... ۱۳۸
۸. حفظ روابط دوستانه..... ۱۴۱
- ۸-۱. واژه‌پژوهی و مفهوم‌یابی..... ۱۴۲
- ۸-۲. اهمیت و آثار دوستی..... ۱۴۳
- ۸-۳. لزوم حفظ روابط دوستانه..... ۱۴۵
- ۸-۴. آسیب‌ها و راهکارها؛ پنج توصیه عملی..... ۱۴۶
- ۸-۵. نمونه و الگوی جاودانه..... ۱۵۱
۹. رعایت پیمان و حقوق ناشی از آن..... ۱۵۳
- ۹-۱. واژه‌پژوهی و مفهوم‌یابی..... ۱۵۴
- ۹-۲. اهمیت و جایگاه وفای به عهد..... ۱۵۷
- ۹-۳. انواع تعهدها و حکم آن‌ها..... ۱۵۸
- ۹-۴. لزوم رعایت عهد؛ بدون استثنا..... ۱۶۲

۹۵. لزوم رعایت عهد؛ حتی با کافران ۱۶۳
۹۶. ممنوعیت پیمان شکنی با نزدیکان ۱۶۶
۹۷. آثار زشت عهد شکنی ۱۶۸
۹۸. معنایی دیگر برای رعایت ذمه ۱۷۱
- ۱۰. عیادت؛ هنگام بیماری ۱۷۵**
- ۱۰-۱. واژه پژوهی و مفهوم یابی ۱۷۶
- ۱۰-۲. بیماری؛ واقعیتی از واقعیت های زندگی ۱۷۷
- ۱۰-۳. وظایف و تکالیف بیماران ۱۷۸
- ۱۰-۴. اهمیت و آثار عیادت بیماران ۱۸۰
- ۱۰-۵. آداب عیادت و ملاقات با بیماران ۱۸۲
- ۱۱. حضور در تشییع جنازه ۱۸۹**
- ۱۱-۱. واژه پژوهی و مفهوم یابی ۱۹۰
- ۱۱-۲. آثار نیک تشییع جنازه بر شرکت کنندگان ۱۹۱
- ۱۱-۳. آثار نیک تشییع جنازه برای متوفا و بازماندگان ۱۹۳
- ۱۱-۴. آداب و احکام حضور در تشییع جنازه ۱۹۵
- ۱۱-۵. ترجیح تشییع جنازه بر میهمانی های آنجانی ۱۹۷
- ۱۱-۶. تکریم مردگان و فضیلت زیارت اهل قبور ۱۹۸
- ۱۲. پذیرش دعوت ها و اجابت درخواست ها ۲۰۳**
- ۱۲-۱. واژه پژوهی و مفهوم یابی ۲۰۴
- ۱۲-۲. پاسخ به درخواست؛ به معنای عام آن ۲۰۶
- ۱۲-۳. پذیرش دعوت؛ به معنای خاص آن ۲۰۷
- ۱۲-۴. آداب و تکالیف میزبان و میهمان ۲۰۹
- ۱۲-۵. هشدار نسبت به میهمانی مقامات! ۲۱۱
- ۱۳. پذیرش هدیه ۲۱۵**
- ۱۳-۱. واژه پژوهی و مفهوم یابی ۲۱۶
- ۱۳-۲. احکام و آثار هدیه دادن و قبول آن ۲۱۷

۲۱۸.....	۱۳-۳. نکته‌ها و هشدارها.....
۲۲۰.....	۱۳-۴. ممنوعیت هدیه برای صاحبان قدرت.....
۲۲۲.....	۱۳-۵. مفهوم غُلُول و حکم آن.....
۲۲۴.....	۱۳-۶. مفهوم رشوه و انواع آن.....
۲۲۷.....	۱۳-۷. القاب و عناوینی از جنس رشوه.....
۲۳۱.....	۱۴. جبران نیکی و عمل متقابل.....
۲۳۲.....	۱۴-۱. واژه‌پژوهی و مفهوم‌یابی.....
۲۳۴.....	۱۴-۲. علت بی‌تفاوتی در برابر خوبی‌ها.....
۲۳۵.....	۱۴-۳. آثار بی‌تفاوتی در برابر خوبی‌ها.....
۲۳۷.....	۱۴-۴. خوبی بیشتر، در برابر خوبی‌ها.....
۲۳۹.....	۱۴-۵. کمترین وظیفه؛ سپاس‌زبانی.....
۲۴۰.....	۱۴-۶. یک هشدار مهم اخلاقی و تربیتی.....
۲۴۳.....	۱۵. قدرشناسی و سپاسگزاری.....
۲۴۴.....	۱۵-۱. واژه‌پژوهی و مفهوم‌یابی.....
۲۴۵.....	۱۵-۲. انواع شکر و حقیقت آن.....
۲۴۷.....	۱۵-۳. سپاس از همه خوبی‌ها؛ کوچک یا بزرگ.....
۲۴۸.....	۱۵-۴. لزوم سپاس؛ هم از خالق و هم از مخلوق.....
۲۵۰.....	۱۵-۵. تلازم شکر خالق با تشکر از مخلوق.....
۲۵۱.....	۱۵-۶. سپاس‌زبانی؛ لازم اما ناکافی.....
۲۵۲.....	۱۵-۷. آثار ناسپاسی.....
۲۵۳.....	۱۵-۸. اهمیت قدردانی از خانواده و نزدیکان.....
۲۵۴.....	۱۵-۹. تو نیکی می‌کن و در دجله انداز.....
۲۵۶.....	۱۵-۱۰. دو معنای جالب دیگر برای این عبارت.....
۲۵۹.....	۱۶. یاری و حمایت شایسته.....
۲۶۰.....	۱۶-۱. واژه‌پژوهی و مفهوم‌یابی.....
۲۶۱.....	۱۶-۲. نیاز انسان به همیاری و آثار و پاداش آن.....

- ۱۶-۳. معنای خاص و عام همیاری و نمونه‌های آن ۲۶۴
- ۱۶-۴. مفهوم و شرایط همیاری «شایسته» ۲۶۵
- ۱۶-۵. حرمت همیاری در گناه و ستم ۲۶۷
- ۱۷. غیرت و پاسداری از حریم خانوادگی**
- ۱۷-۱. واژه‌پژوهی و مفهوم‌یابی ۲۷۱
- ۱۷-۲. معنای پاسداری از ناموس دیگران و انواع آن ۲۷۳
- ۱۷-۳. اهمیت خاص نگاه و آثار چشم‌چرانی ۲۷۴
- ۱۷-۴. برکت‌ها و مواهب کنترل چشم ۲۷۸
- ۱۷-۵. وظایف خاص همسران و تأثیر بی‌حیایی در جامعه ۲۸۱
- ۱۷-۶. اهمیت غیرت و اثر آن بر استحکام بنیان خانواده ۲۸۳
- ۱۸. برآورده کردن نیازها**
- ۱۸-۱. واژه‌پژوهی و مفهوم‌یابی ۲۹۰
- ۱۸-۲. فلسفه و آثار رفع نیاز دیگران ۲۹۲
- ۱۸-۳. شرایط و آداب رفع نیاز دیگران ۲۹۵
- ۱۸-۴. نکوهش درخواست از پندگاران ۲۹۷
- ۱۸-۵. مفهوم وسیع و قلمرو «حاجت» ۳۰۰
- ۱۸-۶. آثار ترک کمک به دیگران ۳۰۱
- ۱۹. وساطت و میانجی‌گری**
- ۱۹-۱. واژه‌پژوهی و مفهوم‌یابی ۳۰۴
- ۱۹-۲. موارد وساطت و پاداش و آثار آن ۳۰۶
- ۱۹-۳. تأکید ویژه بر وساطت در ازدواج و آشتی ۳۱۱
- ۱۹-۴. تلاش مهم است، نه نتیجه ۳۱۳
- ۱۹-۵. لزوم سنجش شرایط و موارد استثنا ۳۱۴
- ۱۹-۶. لزوم ممانعت از طرح درخواست ۳۱۵
- ۱۹-۷. واسطه‌پذیری؛ قرائتی دیگر از این حق ۳۱۶

۲۰. دعا برای سلامتی..... ۳۱۹
- ۲۰-۱. واژه‌پژوهی و مفهوم‌یابی..... ۳۲۰
- ۲۰-۲. آداب دعا برای عطسه‌کننده..... ۳۲۱
- ۲۰-۳. رمز و رازهای تأکید بر این موضوع..... ۳۲۲
- ۲۰-۴. تمرینی برای احساس مسئولیت اجتماعی..... ۳۲۳
- ۲۰-۵. نشانه‌ای از جامعیت اسلام..... ۳۲۵
- ۲۰-۶. اسلام؛ دین خرافه‌زدایی و آگاه‌سازی..... ۳۲۷
۲۱. ارشاد و راهنمایی..... ۳۳۳
- ۲۱-۱. واژه‌پژوهی و مفهوم‌یابی..... ۳۳۴
- ۲۱-۲. داغ گم کردن؛ سخت‌تر از داغ نداشتن..... ۳۳۵
- ۲۱-۳. احکام مربوط به گمشده‌های مادی..... ۳۳۸
- ۲۱-۴. مصداق‌های دیگری از ارشاد و راهنمایی..... ۳۴۰
- ۲۱-۵. خود؛ گمشده‌ای از نوع دیگر!..... ۳۴۱
- ۲۱-۶. یافتن خویش؛ سرچشمه سعادت..... ۳۴۳
- ۲۱-۷. از اینان در شگفتم..... ۳۴۵
۲۲. پاسخ به سلام..... ۳۴۷
- ۲۲-۱. واژه‌پژوهی و مفهوم‌یابی..... ۳۴۸
- ۲۲-۲. «سلام»؛ نماد اسلام و سخن اهل بهشت..... ۳۴۹
- ۲۲-۳. «سلام»؛ احکام و آداب آن..... ۳۵۲
- ۲۲-۴. «رد سلام»؛ و احکام و آداب آن..... ۳۵۹
- ۲۲-۵. زیارت و سلام به پیشینیان..... ۳۶۳
۲۳. خوش‌سخنی..... ۳۶۷
- ۲۳-۱. واژه‌پژوهی و مفهوم‌یابی..... ۳۶۸
- ۲۳-۲. مفهوم خوش‌سخنی و معیار آن..... ۳۶۹
- ۲۳-۳. خوش‌سخنی؛ حتی با دشمنان..... ۳۷۰
- ۲۳-۴. خوش‌سخنی؛ با خانواده و نزدیکان..... ۳۷۳

- ۲۳-۵. خوش سخنی؛ بازیردستان ۳۷۶
- ۲۳-۶. خوش سخنی؛ و آثار و پاداش آن ۳۷۸
- ۲۳-۷. موقعیت سنجی و موارد استثنا ۳۸۳
- ۲۴. ارج نهادن به نیکی‌ها و خوبی‌ها** ۳۸۵
- ۲۴-۱. واژه‌پژوهی و مفهوم‌یابی ۳۸۶
- ۲۴-۲. قدرشناسی؛ اصل مهم تربیتی ۳۸۷
- ۲۴-۳. آثار نامطلوب یکسان انگاشتن خوبی و بدی ۳۸۹
- ۲۴-۴. ارج نهادن به نیکی‌ها؛ و شیوه‌ها و مصداق‌های آن ۳۹۳
- ۲۴-۵. ارج نهادن به نیکی‌ها؛ و آثار و آداب آن ۳۹۵
- ۲۴-۶. ارج نهادن به نیکی‌ها؛ و حداقل‌های آن ۳۹۷
- ۲۵. تأیید و پذیرش سوگند** ۳۹۹
- ۲۵-۱. واژه‌پژوهی و مفهوم‌یابی ۴۰۰
- ۲۵-۲. اهمیت سوگند و انواع آن ۴۰۳
- ۲۵-۳. آثار فقهی و حقوقی سوگند ۴۰۵
- ۲۵-۴. تصدیق سوگند؛ به مثابه تکلیف اخلاقی ۴۰۷
- ۲۵-۵. حرمت سوگند دروغ و کراهت سوگند راست! ۴۰۸
- ۲۵-۶. لزوم تقدیس نام خدا و احترام به آن ۴۱۰
- ۲۵-۷. شرایط اعتبار سوگند ۴۱۲
- ۲۵-۸. کفاره شکستن سوگند ۴۱۵
- ۲۶. دوستی و عدم دشمنی با دوستانِ دوست** ۴۱۹
- ۲۶-۱. واژه‌پژوهی و مفهوم‌یابی ۴۲۰
- ۲۶-۲. «ولایت»؛ عنصر اساسی جامعه اسلامی ۴۲۱
- ۲۶-۳. لزوم پاسداری از روابط دوستانه ۴۲۵
- ۲۶-۴. تعمیم این توصیه؛ به مثابه یک قاعده عمومی ۴۲۷
- ۲۶-۵. تعمیم این قاعده به روابط دینی و سیاسی ۴۲۷

۲۷. یاری‌رسانی در مقابله با ظلم ۴۳۱
- ۲۷-۱. واژه‌پژوهی و مفهوم‌یابی ۴۳۲
- ۲۷-۲. ظلم بر بندگان؛ و آثار ویرانگر آن ۴۳۴
- ۲۷-۳. ضرورت احساس مسئولیت در برابر ظلم ۴۳۵
- ۲۷-۴. ممانعت از ظلم؛ مسئولیت ما در برابر ظالم ۴۳۸
- ۲۷-۵. کمک به گرفتن حق؛ مسئولیت ما در برابر مظلوم ۴۴۳
- ۲۷-۶. وظیفه سنگین‌تر صاحبان قدرت ۴۴۴
۲۸. تسلیم نکردن به دست دشمن و سختی‌ها ۴۴۷
- ۲۸-۱. واژه‌پژوهی و مفهوم‌یابی ۴۴۸
- ۲۸-۲. مسلمانان؛ به مثابه اعضای یک بدن ۴۴۹
- ۲۸-۳. تسلیم نکردن به دشمن ۴۵۲
- ۲۸-۴. تسلیم نکردن به شیطان ۴۵۴
- ۲۸-۵. تسلیم نکردن به سختی‌ها ۴۵۶
۲۹. رها نکردن و تنها گذاشتن در بحران‌ها ۴۶۱
- ۲۹-۱. واژه‌پژوهی و مفهوم‌یابی ۴۶۲
- ۲۹-۲. آثار و پیامدهای خذلان و تنها گذاشتن دیگران ۴۶۳
- ۲۹-۳. خذلان؛ مصداق بُخل و خساست ۴۶۵
- ۲۹-۴. منع بی‌طرفی در حوادث اجتماعی و جهانی ۴۶۶
- ۲۹-۵. حضور در صحنه؛ به مثابه تکلیف ۴۶۸
۳۰. همانندپنداری در خواستن‌ها و نخواستن‌ها ۴۷۱
- ۳۰-۱. واژه‌پژوهی و مفهوم‌یابی ۴۷۲
- ۳۰-۲. قاعده‌ای طلایی برای زندگی انسانی ۴۷۵
- ۳۰-۳. نیاز انسان به حجت باطنی و پیامبر درونی ۴۷۷
- ۳۰-۴. فطرت انسانی؛ پیامبر صادق و درونی ۴۷۸
- ۳۰-۵. فطرت انسانی؛ تمایلات یکسان و مشابه ۴۸۰
- ۳۰-۶. جامع‌ترین پند حکیمانه؛ پایانی به یادماندنی ۴۸۲

پیوست نخست	۴۸۵
نمونه‌های مسائل و احکام اخلاقی	۴۸۵
پیوست دوم	۵۱۱
مجموعه رهیافت‌های عملی	۵۱۱
منابع	۵۳۵
اعلام	۵۴۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه؛ چرایی و چگونگی پیدایش این کتاب

پس از آن که رساله توضیح المسائل مرحوم استاد آیت الله حاج آقا مجتبی تهرانی «اعلی الله مقامه الشریف» به زبان فارسی منتشر شد، در یکی از ساعت های خوشی که به لطف خدا در محضر ایشان بودم، سخنی درباره لزوم بازنگری در رساله های احکام داشتم.

شرح آن سخن این بود: رساله هایی که اکنون در اختیار مردم قرار می گیرد، حداقل نیازمند دو تغییر مهم است؛ نخست آن که باید برخی مسائل شاذ^۱ و گاهی غیرکاربردی از آن حذف شود و دیگر آن که بخشی به عنوان احکام اخلاقی و حتی ضروریات اعتقادی به آن افزوده شود.

تمرکز رساله های موجود بر احکام «فقهی»، خودبه خود پیام آور اصالت انحصاری فقه و موجب به حاشیه راندن عقیده و اخلاق شده است. بسیاری از مردمان مؤمن و حقیقت جو گمان می کنند تنها واجبات و محرمات فقهی است

۱. در اصطلاح فقها به معنای نادر و کم است.

که نباید فراموش شود؛ در حالی که اهمیت و تأثیر رعایت بایدها و نبایدهای عقیدتی و اخلاقی برای ساختن فرد و جامعه بسیار والاتر و بیشتر است و اصولاً فقه منهای عقیده و اخلاق، نه انسان مطلوب را می‌سازد و نه اجتماع آرمانی را. اهتمام به تدوین و انتشار رساله فقهی به زبان فارسی، گرچه اقدامی لازم، مشکور و مأجور است، هرگز کافی نیست. رسالت رساله‌ها با افزودن این دو بخش، خصوصاً احکام اخلاقی است که به اتمام می‌رسد. حتی بر این باورم که «توضیح المسائل اخلاقی» نمی‌تواند و نباید جدای از «توضیح المسائل فقهی» منتشر شود؛ زیرا در آن صورت باز هم بوی جدایی می‌دهد. باید همراه و در کنار بایدها و نبایدهای فقهی، از بایدها و نبایدهای اخلاقی و حتی اعتقادی هم سخن گفت؛ چنان که سیره برخی از سلف صالح چنین بوده است.

پیدایش رساله‌های عملیه و نمونه‌های اولیه آن

به عنوان مثال باید از کتاب الهدایة فی الأصول و الفروع^۱ نوشته شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ ق.) نام برد که شامل دو قسمت است؛ یکی مباحث اعتقادی و دیگری مباحث فقهی. قسمت اعتقادات شامل مباحث توحید، نبوت، امامت، تقیه، اسلام و ایمان، امر به معروف و نهی از منکر، جهاد در راه خدا، ارکانی که اسلام بر آن بنا شده و نیت است. بحث‌های تقیه، جهاد و امر به معروف و نهی از منکر بعدها در مباحث فقهی نیز مطرح شده است.

پس از او، شیخ مفید (متوفای ۴۱۳ ق.) نیز در کتاب المقنعة همین مسیر را پیموده است.^۲ او در مقدمه این کتاب که مهم‌ترین اثر وی در علم فقه است،

۱. قمی، شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، الهدایة فی الأصول و الفروع، قم، مؤسسه امام هادی علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۱۸ ه. ق.

۲. مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری، المقنعة، قم، ناشر: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، چاپ اول، ۱۴۱۳ ه. ق.

می‌گوید: «من این کتاب را با مباحثی آغاز می‌کنم که دانستن آن بر همگان لازم است و هیچ‌کس مجاز نیست در آن‌ها اهمال و سستی نماید؛ یعنی اعتقاد به خداوند متعال و شناخت او، زیرا شناخت خدا اصل و اساس ایمان و پایه و ستون تمام ادیان الهی است و قبول اعمال ما و یافتن راه هدایت از راه گمراهی، با شناخت خداوند متعال امکان‌پذیر است.»^۱

الکافی فی الفقه نوشته ابوالصلاح حلبی (متوفای ۴۴۷ ق.) سومین نمونه از این نوع است.^۲ این کتاب از سه قسمت مباحث اعتقادی (التکالیف العقلی)، مباحث فقهی (التکالیف السمعی) و مباحث اخلاقی (المستحق بالتکلیف و احکامه) تشکیل شده است.

شیخ طوسی (متوفای ۴۶۰ ق.) نیز کتاب الاقتصاد الهادی إلى طریق الرشاد^۳ را به همین سبک تنظیم کرده است. مباحث آن کتاب به طور کلی به دو بخش کلام و فقه تقسیم شده: در قسمت اول، دو اصل توحید و عدالت بررسی شده که در ضمن مسئله عدل، اصول نبوت، امامت و معاد نیز مطرح شده است. در قسمت دوم هم کتاب‌های پنج‌گانه صلاة، صوم، زکاة، حج و جهاد آمده است. او در مقدمه کتاب خویش آورده که مطالب آن «شامل مباحثی است که اعتقاد و عمل و حرکت در مسیر آن‌ها بر همگان واجب است».^۴

۱. همان، ص ۴۸: ... افتتحه بما يجب على كافة المكلفين من الاعتقاد الذي لا يسع إهماله البالغين إذ هو أصل الإيمان والأساس الذي عليه بناء جميع أهل الأديان و به يكون قبول الأعمال و يتميز الهدى من الضلال و بالله أستعين.

۲. ابوالصلاح حلبی، ابوالصلاح تقی‌الدین بن نجم‌الدین، الکافی فی الفقه، ایران، اصفهان، بی‌نا، چاپ اول، ۱۴۰۳ هـ. ق.

۳. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، الاقتصاد الهادی إلى طریق الرشاد، بی‌جا، بی‌تا

۴. همان، ص ۴: یشتمل علی بیان ما يجب اعتقاده و معرفته، و يلزم العمل به و المصير اليه، مما لا يخلو منه مكلف في حال من الأحوال

و بالاخره باید از کتاب جواهر الفقه یا الجواهر فی الفقه^۱ اثر قاضی ابن براج (متوفای ۴۸۱ ق.) نام برد که شامل یک دوره فقه مختصر است و به صورت ۸۳۹ سؤال و جواب نوشته شده است. موضوع بخشی از این کتاب، امور عقیدتی و بعضاً اخلاقی، مانند توبه است که در پنجاه مسئله خلاصه شده است.^۲

نکته جالب این است که همه این کتاب‌ها به صورت فتوایی و بدون بحث‌های استدلالی نگاشته شده و همین نشان می‌دهد که برخلاف سایر کتاب‌های مفصلی که همین بزرگواران نوشته‌اند، مخاطب آن‌ها مردم عادی و هدفشان راهنمایی‌های عملی بوده است.

رابطه فقه مرسوم با انسان و جامعه آرمانی

اما به دلایلی مانند واقعیت‌های اجتماعی، نیازهای عمومی و اهتمام خاص به فقه مصطلح، باعث شد به تدریج این شیوه فراموش شود و رساله‌های توضیح المسائل محدود به فروعات عملی شود. اکنون وقت آن است که از این تغییر روش دست برداریم و بار دیگر به اهمیت و تأثیر احکام اعتقادی و اخلاقی توجه ویژه کنیم.

مرحوم شهید ثانی تصریح کرده‌اند: «تنها یادگیری مسائلی که در کتاب‌های رایج آمده است، نزد خدای متعال فقه محسوب نمی‌گردد. از نظر پروردگار، فقه به آن است که جلال و عظمت او درک شود؛ همان دانشی است که موجب پیدایش ترس و بیم و خشوع در برابر او گردد و انسان را به تقوی و شناخت صفات خوب و بد اخلاقی برساند؛ تا از بد آن‌ها اجتناب نماید و به خوب آن‌ها برسد و دلی سرشار از حزن و خوف پیدا کند؛ چنان که در آیه شریفه نیز اشاره شده است که تفقه برای انذار است.

۱. طرابلسی، ابن براج قاضی، عبدالعزيز، جواهر الفقه، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۱۱ ه. ق.

۲. همان، ص ۲۴۴

معلوم است که انذار با آنچه در کتاب‌های مرسوم فقه گفته می‌شود، حاصل نمی‌گردد؛ زیرا اساساً هدف این علم چیز دیگری مانند حفظ اموال از طریق مباحث معاملات و حفظ ابدان از طریق اموال و منع قتل یا جراحت است... دانشی کارساز است که راه رفتن به سوی پروردگار و از بین بردن گرفتاری‌های قلبی یعنی صفات‌های ناپسند را نشان دهد؛ صفتهایی که حجاب میان بنده و خدای او است و اگر با آن‌ها از دنیا برود، از پروردگار خویش دور خواهد بود.^۱

فقه مرسوم که بخش غیرعبادی آن، به صورت «قانون» تجلی کرده و می‌کند، برای تشکیل جامعه بشری و تداوم آن لازم و غیرقابل چشم‌پوشی است. آموزه‌های دینی، یافته‌های علمی و تجربه‌های بشری نشان می‌دهد که بدون تعیین حدود و قواعد الزام‌آور برای رفتار اجتماعی افراد و اجرای سخت‌گیرانه آن، هرگز نمی‌توان در کنار یکدیگر به سلامت زیست. اما آیا رعایت حقوق قانونی دیگران، برای رسیدن به زندگی آرمانی و شیرین هم کافی است؟ به بیان دیگر، قانونگرایی برای رسیدن به زندگی مسالمت‌آمیز لازم است. اما آیا کافی هم هست یا نه؟

باید قاطعانه و شجاعانه اعتراف کرد که قانون به تنهایی، از تأمین هدف خود و تشکیل زندگی آرام و دلپذیر ناتوان است. درست است که این دارو برای درمان زیاده‌خواهی‌ها و نادیده گرفتن حقوق هموعان، مفید و لازم است، هیچ‌گاه کافی

۱. شهید ثانی، منیه المرید، ص ۱۵۷: «... إِنَّ مَجْرَدَ تَعَلُّمِ هَذِهِ الْمَسَائِلِ الْمَدُونَةِ لَيْسَ هُوَ الْفَقْهُ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى، وَ إِنَّمَا الْفَقْهُ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى بِادْرَاكِ جَلَالِهِ وَ عَظَمَتِهِ، وَ هُوَ الْعِلْمُ الَّذِي يُوْرِثُ الْخَوْفَ وَ الْهَيْبَةَ وَ الْخُشُوعَ وَ يَحْمِلُ عَلَى التَّقْوَى وَ مَعْرِفَةِ الصِّفَاتِ الْمَخُوفَةِ فَيَجْتَنِبُهَا وَ الْمَحْمُودَةِ فَيَرْتَكِبُهَا، وَ يَسْتَشْعِرُ الْخَوْفَ وَ يَسْتَشِيرُ الْحَزْنَ كَمَا نَبَّهَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ فِي كِتَابِهِ بِقَوْلِهِ: «فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ». وَ الَّذِي يَحْصُلُ بِهِ الْإِنْدَارُ غَيْرَ هَذَا الْعِلْمِ الْمَدُونِ، فَإِنَّ مَقْصُودَ هَذَا الْعِلْمِ حِفْظَ الْأَمْوَالِ بِشُرُوطِ الْمَعَامَلَاتِ، وَ حِفْظَ الْأَبْدَانِ بِالْأَمْوَالِ، وَ بَدْفِ الْقَتْلِ وَ الْجَرَاحَاتِ ... وَ إِنَّمَا الْعِلْمُ الْمَهْمُ هُوَ مَعْرِفَةُ سُلُوكِ الطَّرِيقِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَ قَطْعِ عَقَبَاتِ الْقَلْبِ الَّتِي هِيَ الصِّفَاتُ الْمَذْمُومَةُ وَ هِيَ الْحِجَابُ بَيْنَ الْعَبْدِ وَ بَيْنَ اللَّهِ تَعَالَى، فَإِذَا مَاتَ مَلُؤْنَا بِنَلَكِ الصِّفَاتِ كَانَ مَحْجُوبًا عَنِ اللَّهِ تَعَالَى.»

نبوده و نیست. این داروی تلخ، اگر با شیرینی فضیلت‌های اخلاقی آمیخته نشود، به کام کسی خوش نخواهد آمد؛ همان‌گونه که توصیه‌های دلنشین اخلاقی به‌تنهایی و بدون دستورهای الزام‌آور قانونی نمی‌تواند همه آدمیان را به‌گرنش در برابر حقوق دیگران وادار کند.

قانون و اخلاق دو نیروی ارزشمندی هستند که با یکدیگر معنا و تکمیل می‌شوند و با عمل به هر دو است که جامعه بشری طعم شیرین سعادت و رستگاری را خواهد چشید. هیچ مردمی بدون آراسته شدن به فضیلت‌های اخلاقی و صرفاً به اتکای دستورهای قانونی به مقصود نرسیده‌اند؛ همان‌گونه که موعظه‌های اخلاقی به‌تنهایی نتوانسته و نمی‌تواند همه زیاده‌خواهان را از تجاوز به حقوق دیگران باز دارد.

بنابراین وظایف ما با رعایت احکام فقهی و حقوق قانونی پایان نمی‌پذیرد. به‌علاوه نیازمند رعایت حقوق اخلاقی دیگران نیز هستیم.

جایگاه اخلاق و اهمیت حقوق اخلاقی

این چنین است که اخلاق و حقوق اخلاقی، بخش مهم و بلکه مهم‌ترین بخش از آموزه‌ها و دستورهای دینی را به خود اختصاص داده است. در یک تقسیم‌بندی مشهور، همه تعالیم پیامبران و آورده‌های دینی را در سه بخش اصلی خلاصه می‌کنند: عقاید (آموزه‌هایی که باید در ذهن و دل فرد جای بگیرد و بدون باور به آن‌ها نمی‌توان کسی را به آن دین منتسب کرد)، فقه یا همان احکام عملی (بایدها و نبایدهایی که برای فرد متدین در عمل لازم‌الاجراست و پاداش و کیفر اخروی و گاه دنیوی دارد) و بالاخره اخلاق (ارزش‌ها و ضدارزش‌هایی که ناظر به پالایش درون و تهذیب نفس است و ممکن است حتی جنبه عملی و بروز ظاهری هم پیدا نکنند، مثل زشتی حسادت و زیبایی تسلیم و رضا).